

ریشه‌ها و پیامدهای طلاق

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، پایه و اساس ساخت اجتماعی محسوب می‌شود.



خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، پایه و اساس ساخت اجتماعی محسوب می‌شود. واژه خانواده مجموعه‌ای گسترده از ساختارها، شکل‌ها و وظایف را در بر می‌گیرد که در هر کشوری متفاوت است.

به گزارش ایسنا، با وجود نقش و اهمیت خانواده در طول تاریخ، طلاق رویه و جنبه دیگر از این واقعیت است که هیچ فرد، گروه و جامعه‌ای اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه از اثرات و پیامدهای آن مصون نیست. به همین سبب جا دارد که خانواده را نه به عنوان عاملی ایستا و تغییرناپذیر بلکه همانند هسته‌ای تحول‌یابنده در نظر بگیریم که انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری چشم‌گیری دارد.

پژوهشی که در خصوص واکاوی پدیده طلاق، ریشه‌ها و پیامدهای آن، توسط تیم پژوهشگران متشکل از رویا طاهری پنجناری (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی)، حسین آقاجانی مرساء (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز) و علیرضا کلدی (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی) با جامعه‌آماري 55 نفر از زنان مطلقه و در حال طلاق شهر تهران انجام شده، نشان می‌دهد: «خانواده عرصه‌ای بسته نیست بلکه نهادی است که همواره از دگرگونی‌های کل جامعه تأثیر می‌پذیرد و در عین حال توانایی پایداری در برابر رویدادها و دگرگونی‌ها و اثرگذاری بر آن‌ها را نیز دارد.»

در این پژوهش آمده است: «همزمان با تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نهاد خانواده نیز با تغییرات و چالش‌هایی روبرو شده، انگاره‌های اجتماعی و ساختارهای جوامع سنتی دچار دگرگونی‌های عمیقی شده است، نظام‌های هنجاری با چالش‌های بنیادینی روبرو شده و در نهادهای گوناگون اجتماعی رفتارهای جدیدی پدید آمده است.»

«جامعه ایران همچون بسیاری جوامع در حال توسعه، چند دهه است که قدم در راه مدرن شدن گذاشته و اثرات این مدرنیته نوپا را بر کلیه ساختارها و نهادها خود تجربه می‌کند. نهاد خانواده هم از این جریان مستثنی نبوده و در این مسیر با چالش‌های بسیار روبرو شده است. شاید اولین اثرات مدرنیته بر نهاد خانواده، تغییر ساختار گسترده آن به خانواده هسته‌ای بوده است اما این ساختار جدید نیز به تدریج متناسب با الزامات و مقتضیات جامعه مدرن، دچار تحولاتی شده است که وضعیت آن را نسبت به شرایط چند دهه گذشته به کلی متمایز ساخته است. مواجهه با تمدن غرب و گسترش شهرنشینی جدید و نتایج آن به ویژه در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، موجب تغییرات عمده در شکل خانواده و خصوصاً تیپ شهری آن شده است، خانواده به سوی دگرگونی نگرش‌ها، ارزش‌ها، روابط و نقش‌ها پیش می‌رود.»

در این پژوهش محققان می‌گویند: «طلاق یک فرآیند چند مرحله‌ای است که نه تنها بر نحوه ارتباط افراد خانواده تأثیر می‌گذارد، بلکه کل جامعه را درگیر مشکلات جدی، عمیق و جبران‌ناپذیری می‌کند. طلاق یکی از انواع گسیختگی‌های خانوادگی است که به دلیل رابطه آن با انواع آسیب‌های اجتماعی مثل تغییر نگرش نسبت به تداوم زندگی، رشد همباشی‌ها، فرار، روابط نامشروع، رواج زندگی مجردی، روسپی‌گری، اعتیاد، جرم، بزهکاری و... مورد اهمیت است.»

یافته‌ها نشان می‌دهد: «طلاق به هر دلیلی که اتفاق افتد هم برای فرد و هم برای جامعه پیامدهایی را به همراه خواهد داشت، برای زن و مرد مشکلات اقتصادی، روانی، عاطفی، اجتماعی ایجاد می‌کند و نیز سبب جامعه‌ای ناپایدار و ناسالم می‌شود؛ چرا که داشتن جامعه سالم در گرو داشتن انسان‌هایی سالم است و جامعه چیزی جز افرادی که آن را ایجاد می‌کنند، نیست.»

در ادامه این پژوهش در خصوص سست شدن بنیان خانواده‌ها و پیدایش طلاق آمده است: «چشم‌داشت‌های غیر واقع‌بینانه زوج‌ها از خوشبختی، از بین رفتن قبح طلاق، کاسته شدن از عشق اولیه، سوء تفاهم، بی‌اطلاعی، تفاوت در شناخت و آگاهی از وظایف و نقش‌ها، توقعات بیان‌نشده، افکار خودانگیخته و خاموش، کاهش وابستگی عاطفی زن و شوهر به یکدیگر، تعصب و اهمیت دادن به خواسته‌های خود، تأثیر مسائل اقتصادی و بدبینی و ذهن‌خوانی غلط

برخی از عوامل ناسازگاری و طلاق است.»

در این پژوهش در خصوص پیامد های حاصل از طلاق آمده است: «تغییر ساختار خانواده به مثابه پیامد وضع موجود، داغ ننگ، افت تحصیلی و اخلاقی و عاطفی فرزندان، احساس طرد و حاشیه نشینی، احساس خسران از زندگی زناشویی و فرد گرایی از پیامد های حاصل از طلاق است.»

این پژوهش در شماره دوم بررسی مسائل اجتماعی ایران منتظر شده است.